

# حقوق اللہ

تالیف دکنر فریدون جواہری

ترجمہ حوریوش رحمتی

## فهرست مطالب

- درس 1: حقوق الله چیست؟
- درس 2: خداوند متعال از همه چیز بی‌نیاز است (قسمت اول)
- درس 3: خداوند متعال از همه چیز بی‌نیاز است (قسمت دوم)
- درس 4: پاداش و نفع حقوق الله به اداعکننده و جامعه راجع می‌شود
- درس 5: ادای حقوق الله امتحان خارق العاده‌ای است
- درس 6: مطالبه حقوق الله جایز نیست
- درس 7: امانت و درستکاری در حقوق الله
- درس 8: محاسبه حقوق الله
- درس 9: مقایسه حقوق الله با سایر تبرعات
- درس 10: توسعه مؤسسه حقوق الله
- درس 11: مدیریت و اداره حقوق الله
- درس 12: داستان‌هایی در باره حقوق الله

## درس اول: حقوق الله چیست؟

"حقوق الله یکی از فرائض حتمیه روحانیه است که از قلم معجز شیم حضرت بهاء الله ارواحنا فداه در کتاب مستطاب اقدس نازل شده است."<sup>1</sup>

بیت العدل اعظم

حقوق الله به معنای حقّ خداوند از جمله فرائض مقدسه دینی و از مهمترین احکام حضرت بهاء الله است که در کتاب مستطاب اقدس نازل شده است. حقوق الله عبارت است از پرداخت قسمتی از دارائی یک فرد بهائی که پس از کسر هزینه‌ها و مخارج ضروری و مورد نیاز باقی می‌ماند. هر چند حقوق الله با امور مادی این جهان سر و کار دارد، ولی جزو فرائض روحانی مانند نماز و روزه شمرده می‌شود که بر عهده هر نفس و انگار گردیده است و انجام آن موکول به دستور و الزام مؤسسات امری نیست بلکه مسئولیت مستقیم هر یک از احتیای الهی در پیشگاه حق می‌باشد. به عبارت دیگر پرداخت حقوق الله یکی از وظائف روحانی اصلی بهائیان است و مانند نماز و روزه و سایر احکام جزو عهد و میثاق الهی با بندگانش می‌باشد.

حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس می‌فرماید: "و الّذی تملک مائة مثقال من الذهب فتمسعه عشر مثقالاً لله فاطر الارض و السماء ایاکم یا قوم ان تمنعوا انفسکم عن هذا الفضل العظیم."<sup>2</sup> (مضمون بیان: هر کس صد مثقال طلا مالک گردد نوزده مثقال آن متعلق به خداوند خالق زمین و آسمان است، به هوش باشید ای مردم مبدا خود را از چنین فضل عظیمی محروم نمانید). در لوح دیگری می‌فرماید: "بگو یا قوم اول امر عرفان حقّ جلّ جلاله و آخر آن استقامت و بعد تطهیر مال و ما عند القوم بما امروا به الله بوده"<sup>3</sup>

وقتی ما احکام سایر ادیان را مطالعه می‌کنیم متوجه می‌شویم که در هر دینی دستوراتی برای تقدیم تبرّعات و خیرات و میراث به عنوان نشانه‌ای از سپاس به درگاه خداوند وجود دارد. [در کتب اهل عتیق آمده است]: "از مایملک خود خداوند را تکریم نما"<sup>4</sup> و "و تمامی ده یک زمین چه از تخم زمین چه از میوه درخت از آن خداوند است."<sup>5</sup>

در بعضی از جوامع سنتی یک شکارچی یا زارع قسمتی از شکار یا محصول خود را به رئیس قبیله یا منطقه اهداء می‌کند و این نشانه‌ای است از اطاعت و احترام او نسبت به اعتبار آن مقام. رئیس یا این موادّ غذایی را صرف پذیرائی از مراجعین متعدّد خود می‌نماید و یا آن را در بین مردم نیازمند تقسیم می‌کند. هر چند آن رئیس بخشی از شکار یا محصول را دریافت می‌دارد ولی نهایتاً این مردم او هستند که از تقدیم این هدایا به رئیس بهره‌مند می‌شوند.

در بعضی فرهنگ‌ها، وقتی پسری اولین شغل خود را شروع می‌کند، دستمزد اول خود را به عنوان نشانه‌ای از قدردانی نسبت به پدر و مادرش به آنان تقدیم می‌دارد. پدر و مادر که ممکن است حتّی نیازی به آن پول نداشته باشند آن را می‌پذیرند تا به درآمد آینده فرزندشان برکت بخشند.

وقتی ما حقوق الله می‌پردازیم، در حقیقت قسمتی از ثروتی را که خداوند به ما عطا فرموده به او بر می‌گردانیم. البته خدا از ما این حقوق را مطالبه نمی‌کند ولی پرداخت حقوق الله وظیفه ما است که باید این وظیفه را با نهایت خوشحالی و احترام انجام دهیم. در قبایل آن ما مشمول برکات مستمر الهی می‌شویم. حضرت بهاء الله می‌فرماید پرداخت حقوق الله "سبب نعمت و برکت و خیرات"<sup>6</sup> است و موجب "... تقرّبکم الی مقامات لا یدرکها الا من شاء الله"<sup>7</sup> (مضمون بیان: تقرّب شما به مقاماتی که تنها کسانی که خداوند اراده فرماید آن را درک می‌نمایند) خواهد شد. حضرت بهاء الله به ما اطمینان می‌دهد که با ادای حقوق الله، ما از مواهب روحانی و برکات و نعم دنیوی نصیب می‌پریم، و مهتر از آن به خداوند تقرّب می‌جوئیم.

با ادای حقوق الله، ما نه فقط در این جهان سود می‌پریم، بلکه مواهب آن برای همیشه دوام خواهد داشت. حضرت بهاء الله می‌فرماید:

"... این عنایتی است بزرگ و فضلی است عظیم از برای نفسی که الیوم مؤید شود بر خدمت امر و ادای حقوق الهی چه که اثر و ثمرش بدوام ملک و ملکوت باقی است."<sup>8</sup>

و همچنین تأکید می‌فرماید: "این بسی معلوم و واضح است که ادای حقوق الهی سبب نعمت و برکت و عزّت و حفظ بوده و خواهد بود.... و این در صورتی است که بکمال روح و ریحان و میل باحکام کتاب عمل نمایند."<sup>9</sup> این بیان به منافعی که از پرداخت حقوق الله نصیب ما می‌شود اشاره دارد. نعمت به معنای سود و فزونی در ثروت و موقیبت است، برکت پاداش و فیوضات روحانی است، عزّت عبارت است از جلب احترام، و حفظ به معنای تحت حفاظت و حمایت الهی قرار گرفتن است. همه این مواهب در مقابل آن نصیب ما می‌گردد که تنها مقدار اندکی از ثروت خدا داده را در راهش تقدیم داریم.

حضرت عبداله‌بهاء می‌فرماید: "از جمله حکمت‌های بالغه اینکه اعطای حقوق سبب ثبوت و رسوخ نفوس گردد و نتایج عظیمه بارواح و قلوب بخشند"<sup>10</sup>

با ادای حقوق الله، خداوند به ما تائید می‌دهد تا فرزندانمان از ثروت ما به نحو بهتری نصیب برند. حضرت بهاء الله می‌فرماید: "... اگر نام بدای آن موقّ شوند البته حقّ جلّ و عزّ برکت عنایت فرماید و هم آن مال نصیب خود آن شخص و ذریّه او شود. چنانچه مشاهده مینمائی اکثری از اموال ناس نصیب ایشان نشده و نمیشود و اغیار را حقّ بر آن مسلط می‌فرماید و یا وراثتی که اغیار بر ایشان ترجیح دارد."<sup>11</sup> همچنین با ادای حقوق الله مردمان دیگر نیز بهره‌مند می‌گردند. حضرت بهاء الله اشاره می‌فرماید: "اگر حقوق الله را اداء می‌نمودند عباد آن ارض آسوده بودند"<sup>12</sup> و در بیان دیگری در مورد حقوق الله می‌فرماید "از حقّ جلّ جلاله بخواهید که احتیای خود را موقّ فرماید تا کلّ از بحر رضای الهی که سبب و علت نجات اهل عالم است نصیب بردارند."<sup>13</sup>

درس دوم: خداوند متعال از همه چیز بی‌نیاز است (قسمت اول)

"قد امرناکم بهذا بعد اذ کنا غنیاً عنکم و عن کلّ من فی السموات و الارضین ...." <sup>17</sup> (مضمون بیان: همانا شما را به این حکم [حقوق‌الله] امر فرمودیم هر چند از شما و از همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند بی‌نیازیم).  
حضرت بهاء‌الله

"هر نفسی بکمال روح و ریحان و تسلیم و رضا اداء نمود لدی الله مقبول و الا انه غنی عن العالمین" <sup>18</sup>

حضرت بهاء‌الله

ما به خداوند محتاجیم ولی او نیازی به ما ندارد. بشریت را مانند کودکی تصور کنید و خداوند را والدین. اگر زمانی که کودک خردسال است والدینش فوت شوند، کودک قادر نیست از خودش مواظبت نماید و محتاج کمک دیگران خواهد بود و بدون آن کمک از بین خواهد رفت. ولی اگر کودک فوت شود، والدین باقی می‌مانند. روابط ما با خدا نیز شبیه این است. بدون او ما نمی‌توانیم وجود داشته باشیم ولی بدون ما او وجود خواهد داشت. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند "انه غنی عما کان و عما یکون" <sup>19</sup> (مضمون بیان: بدرستی خداوند بی‌نیاز است از آنچه بوده و از آنچه خواهد بود). خداوند ما را خلق کرده است چون ما را دوست دارد. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند: "یا ابن الانسان! احببت خلقک فخلقتک" <sup>20</sup> (مضمون بیان: ای پسر انسان! آفریدن ترا دوست داشتم پس ترا آفریدم).

حضرت بهاء‌الله تأیید می‌فرمایند که خدا کاملاً بی‌نیاز و مستقل از همه کائنات می‌باشد. بنابراین آنچه را خداوند برای ما مقرر فرموده کاملاً به سود ما است، برای خداوند هیچگونه نفعی مطرح نیست.

گاهی ما نمی‌توانیم مقصود از احکامی را که خداوند برای ما مقرر فرموده درک کنیم. احتمالاً حقوق‌الله یکی از این احکام است. حضرت بهاء‌الله در باره حقوق‌الله در کتاب اقدس چنین می‌فرمایند:

"انّ فی ذلک لحکم و مصالح لم یحیط بها علم احد الاّ الله العالم الخبیر." <sup>21</sup> (مضمون بیان: همانا در آن حکمت و مصلحتی است که هیچکس بجز خداوند عالم و آگاه از آن اطلاع ندارد).

هنگامی که والدین به کودکان خود دستوراتی می‌دهند که از آن اطاعت نمایند، غالباً کودکان دلیل آن را درک نمی‌کنند. البته والدین تجربه بیشتری دارند و بهتر می‌دانند که چه چیز برای کودکان مفید است، بنابراین کودک باید از والدین اطاعت نماید حتی اگر واقعاً دلیل دستورات آنان را نمی‌فهمد. به نحوی مشابه، خداوند نیز مانند والدین ما عمل می‌کند. ما احکام الهی را از طریق حضرت بهاء‌الله، دریافت کرده‌ایم. حتی اگر حکمت همه احکام را درک نکنیم، می‌دانیم که خداوند همیشه خیر و صلاح ما را منظور می‌نماید.

چندین سال بعد از نزول حکم حقوق‌الله در کتاب اقدس بود که حضرت بهاء‌الله پذیرفتند که بهائیان حقوق‌الله تقدیم دارند. از آن پس، اجرای حکم حقوق‌الله بسیار تدریجی بوده و به نیاز امرالله و به میزان درک احبا از اهمیت این حکم بستگی داشته است. حضرت بهاء‌الله در تأیید این مطلب می‌فرمایند:

"سال‌ها حقوق اخذ نشد چه بسیار از وجوه که بعد از حضور بصاحبش رد نمودیم چه که لازم نبود." <sup>22</sup>

برای اکثر بهائیان جهان، این حکم تا سال‌های اخیر واجب نبود. در رضوان 1992، هنگامی که بهائیان عالم سالگرد صدمین سال صعود حضرت بهاء‌الله را گرامی می‌داشتند، بیت‌العدل اعظم اعلام فرمودند که اجرای حکم حقوق‌الله عمومی خواهد بود و هر فرد بهائی می‌تواند از امتیازات، برکات و نعمت‌هایی که در رعایت این حکم نهفته است برخوردار گردد. احبای مؤمن و ثابت قدم که اهمیت پیام حضرت بهاء‌الله را درک می‌کنند حقوق‌الله را اداء می‌نمایند و از فوائد بی‌نهایت این اقدام روحانی بهره‌مند می‌گردند.

"نفوس موقه ثابته بصیره خود اقدام می‌نمایند و بما امروا من لدی الله عامل می‌شوند. نفع این فقره بخود آن نفوس راجع انّ الله غنی عن العالمین." <sup>23</sup>  
حضرت بهاء‌الله

"سبحانک یا ربّ الکائنات ومرجع الممكنات اشهد... باستغناک عن دونک و تقدیسک عما سواک." <sup>24</sup> (مضمون بیان: پاک و بزرگی تو ای خداوند هستی، ای مرجع همه موجودات، شهادت می‌دهم به بی‌نیازی تو از غیر خودت و مقدّس و مبرا بودن از عالم مادی). حضرت بهاءالله

از جمله عالی‌ترین صفات حضرت بهاءالله در مقام مظهر ظهور الهی که او را از همه ابناء بشر متمایز می‌سازد، انقطاع کامل حضرتش از امور دنیوی است. حضرت بهاءالله هیچ‌گونه توجّهی به تملّک اموال مادی نداشتند. در حالیکه از یک خانواده شریف و ثروتمند بودند، اگر کمترین اهمیتی برای ثروت مادی قائل بودند به هیچ‌وجه به زندگی در ویران‌ترین شهر جهان تن در نمی‌دادند. در لوحی که در عکا نازل شده، می‌فرمایند که اگر اراده می‌کردند می‌توانستند دارائی‌های همه کسانی را که در ارض ساکنند اخذ نمایند و هیچ‌کس قادر نبود اختیارات ایشان را زیر سوال ببرد. سپس بیان می‌دارند که اگر هدیه‌ای را از کسی پذیرفته‌اند بدان دلیل بوده که آن شخص را مشمول عنایات و مراحم خود فرمایند.

داستان زیر نمونه‌ای است از چگونگی واکنش حضرت بهاءالله در مقابل هدایایی که به ایشان تقدیم می‌شد. هنگامی که حضرتش در ادرنه بودند، یکی از احباء یک قالیچه ابریشمی به ایشان تقدیم داشت. حضرت بهاءالله لوحی نازل فرمودند و از او برای هدیه‌اش قدردانی کرده وی را غریق مراحم فراوان خود نمودند. سپس به این شخص فرمودند که هدیه‌اش پذیرفته شده و اکنون به نشانه لطفی نسبت به او آن را به وی بر می‌گردانند و بیان داشتند که ترجیح می‌دهند در آن زندان متروک بجای فرش ابریشم به روی زمین بنشینند.

همین حالت انقطاع از اموال دنیوی در شخصیت حضرت عبدالبهاء، مرکز میثاق حضرت بهاءالله، و نیز حضرت ولی امرالله، آیت الهی بر روی زمین، نیز دیده می‌شود. توجّه به اشیای این جهان فانی برخلاف طبیعت و ذات این نفوس مقدسه بود. این دو وجود مقدّس هر دو مانند حضرت بهاءالله بسیار ساده زندگی می‌کردند. با اینکه مبالغه‌های هنگفتی بابت حقوق الله و تبرّعات مختلف از احبّاء دریافت می‌کردند، آن مبالغه را اکیداً به پیشرفت امرالله اختصاص می‌دادند و هرگز از آن برای مصارف شخصی استفاده نمی‌کردند. هیچ‌یک از این نفوس مقدسه هرگز ثروت شخصی اعم از پول یا سایر اموال نداشتند.

"تالله انّ الدنيا و زخرفها و ما فیها من الاثنا لم یکن عند الله الا ککف من التراب بل احقر لو کان الناس فی انفسهم بصیرا طهروا انفسکم یا ملأ البهائم عن الدنيا و ما فیها" <sup>25</sup> (مضمون بیان: قسم به خداوند، همانا دنیا و جاه و جلال آن و نعمت‌هایی که در آن است نزد خداوند با اندازه مشت خاکی بی‌ارزش بلکه از آنها کمتر است اگر مردم بصیر باشند و بتوانند درک کنند، ای اهل بها نفس خود را از دنیا و آنچه در آن است پاک کنید). حضرت بهاءالله

"سبحان الله خزائن ملوک و ملکات در یوم ظهور مذکور نه و لدی الله مقبول نه و لکن خردلی از اولیاء در ساحت اقدس اعلیٰ مذکور و بطراز قبول مزین تعالیٰ فضله و تعالیت عظمت" <sup>26</sup>

#### حضرت بهاءالله

مطالعه شرح حیات و آثار حضرت بهاءالله بدون شک عدم اعتنای حضرتش را به اموال دنیوی آشکار می‌سازد. در یکی از الواح مبارکه خطاب به ناپلئون سوّم، این امپراطور را با این عبارات که کاملاً نشان می‌دهد تا چه حدّ عالم مادی در نظر ایشان بی‌ارزش و بی‌اعتبار است نصیحت می‌فرمایند:

"هل تفرح بما عندک من الزخارف بعد اذ تعلم أنّها ستفنی او تسرّ بما تحکم علی شبر من الارض بعد اذ کلها لم تکن عند اهل البهائم الا کسواد عین نملة میّنة؟" <sup>27</sup> (مضمون بیان: آیا برای ثروتی که داری خوشحال هستی در حالیکه می‌دانی آن ثروت نابود شدنی است؟ آیا مسروری از اینکه بر یک و جب زمین حکومت می‌کنی، در حالیکه ارزش همه عالم نزد اهل بها به اندازه سیاهی چشم یک مورچه مرده است؟).

#### حضرت بهاءالله

وقتی حضرت بهاءالله کتاب اقدس را نازل فرمودند، دستور دادند این کتاب تا مدتی منتشر نشود. در لوحی دلیل این تأخیر را وجود حکم حقوق الله در این کتاب ذکر فرموده‌اند و بیم از اینکه احبّاء از این حکم اطاعت ننمایند و یا حتی برداشت غلطی نسبت به آن پیدا کنند. صبر این تصور که بعضی از مردم با عدم بلوغشان ممکن بود احتمالاً گمان کنند که این حقوق برای مصارف شخصی حضرت بهاءالله منظور شده فوق‌العاده برای حضرتش در دنیا بود. حکم حقوق الله برای اولین بار پنج سال بعد از نزول کتاب اقدس به مورد اجرا گذاشته شد. در آن موقع کار تبلیغ امرالله در ایران و کشورهای همجوار شروع به گسترش کرده بود و برای ادامه آن به منابع مالی نیاز بود. اما حتی آن زمان هم جمع‌آوری حقوق الله فقط وقتی جایز بود که احبّاء آن را در نهایت شادی و انقطاع می‌پرداختند. حضرت بهاءالله در یکی از الواحشان خطاب به حاج امین، امین حقوق الله در آن زمان، به وی چنین دستور می‌دهند:

"علیک بهائی بعزت امر ناظر باش و بها تنجذب به الافئدة و العقول تکلم نما مطالبه حقوق ابداً جایز نبوده و نیست این حکم در کتاب الهی نازل لاجل بعضی امور لازمه که من لدی الحقّ باسباب مقتر شده اگر نفسی بکمال رضا و خوشوقتی بلکه باصرار بخواد باین فیض فائز شود قبول نمایند و الا فلا" <sup>28</sup>

#### حضرت بهاءالله

بنابراین بدیهی است که نزول حکم حقوق الله توسط حضرت بهاءالله به هیچ‌وجه به منظور منافع شخصی آن حضرت و یا حتی به خاطر اتکاء امر الهی به منابع مالی نبوده است. بر عکس حضرتش به صرف فضل و مراحم خود این حکم را برای پیشرفت روحانی ما نازل فرمودند. بنابراین ما باید خود مصرّ باشیم که از این فیض نصیب بریم، مبادا وقتی متوجه اهمیت آن گردیم که دیگر خیلی دیر باشد.

درس چهارم: پاداش و نفع حقوق الله به اداء کننده و جامعه راجع می‌شود

"امر بآداء حقوق این فضلی بود از جانب حق جلّ جلاله و خیر آن به عاملین راجع."<sup>29</sup>

حضرت بهاء الله

حضرت عبدالبهاء شرح می‌دهند که قوانین عالم مادی معادلی نیر در عوالم روحانی الهی دارد و تعالیم دینی بازتابی است از قوانین عالم مادی.

گیاهان و درختان را با برگ‌ها و گل‌ها و میوه‌ها ملاحظه کنید. این برگ‌ها و گل‌ها و میوه‌ها از کجا بوجود می‌آیند؟ درخت برای رشد خود از خاک تغذیه می‌کند. درخت وقتی رشد می‌کند استعدادهای نهانی‌اش آشکار می‌شود، ولی این خاک است که به درخت مواد غذایی می‌رساند و همه چیز را تولید می‌کند، بنابراین در حقیقت برگ‌ها، شاخه‌ها، گل‌ها و میوه‌ها همه از خاک ناشی می‌شوند.

هر سال درخت برگ‌های خود را روی خاک می‌ریزد. بدین ترتیب قسمتی از دارائی خود را به منشأ رشد خود برمی‌گرداند. برگ‌های ریخته شده به خاک نفعی نمی‌رساند، بلکه تبدیل به کود شده فوایدش به خود درخت راجع می‌گردد. این فرایند مادی شبیه حکم حقوق الله است و چنانچه حضرت بهاء الله فرموده‌اند نفع این عمل (ادای حقوق الله) "به انفس عباد راجع."<sup>30</sup>

"ادای حقوق بر کلّ فرض است. . . نفوس موقفه ثابتّه بصیره خود اقدام می‌نمایند و بما امروا من لدی الله عامل می‌شوند. نفع این فتره بخود آن نفوس راجع انّ الله غنی عن العالمین."<sup>31</sup>

"هر نفسی بکمال روح و ریحان خود اقدام در ادای حقوق نماید اخذ شود. . . این عمل خیرش بخود نفوس راجع."<sup>32</sup>  
حضرت بهاء الله

برکات حقوق الله بقدری عظیم است که حتّی در عالم بعد نیز با ما همراه خواهد بود:

"فی الحقیقه امر حقوق الهی. . . اوست سبب نعمت و برکت و خیرات و مایکون مع کلّ نفس فیکلّ عالم من عوالم ربّها الغنی الکریم."<sup>33</sup> (مضمون بیان عربی: و آنچه باقی می‌ماند با هر نفسی در هر عالمی از عوالم خداوند بی‌نیاز و بخشنده).  
حضرت بهاء الله

باز اگر ما خداوند را مانند والدین تصور کنیم و خود را به عنوان کودکان، متوجه می‌شویم که اجری که خدا برای ادای حقوق الله به ما می‌دهد به نحوی شبیه است به روشی که والدین کودکان خود را برای پیشرفت در مدرسه یا انجام کار نیک در خانه پاداش می‌دهند. پدر و مادر که می‌خواهند کودک را تشویق کنند و او را خوشحال سازند از او تمجید می‌نمایند و ممکن است حتّی هدیه‌ای نیز به او بدهند. به همین نحو ما با فیوضات روحانی و حفظ و حمایت الهی مورد تمجید واقع می‌شویم و هدایایی به صورت برکت و عزّت مادی دریافت می‌داریم. مهم است که بخاطر داشته باشیم که هر چند گفته‌اند که پرداخت حقوق الله نفعش به خود ما راجع می‌شود، ولی ما نباید این عمل را به هیچ منظور دیگری جز محبت الهی انجام دهیم.

حقوق الله فقط پرداخت پول نیست، بلکه یک فریضه روحانی است. اگر می‌خواهیم حقوقی که اداء می‌کنیم مورد قبول حق واقع گردد، باید این وظیفه را با نیتی خالص و "بکمال رضا و خوشوقتی"<sup>34</sup> انجام دهیم.

"... بکمال روح و ریحان و میل باحکام کتاب عمل نمایند."<sup>35</sup> حضرت بهاء الله

"هر نفسی بکمال روح و ریحان و تسلیم و رضا ادا نمود لدی الله مقبول...."<sup>36</sup> حضرت بهاء الله

منافع حقوق الله فقط منحصر به کسی که اداء می‌نماید نیست، بلکه بطور کلی عالم انسانی از آن بهره‌مند می‌شود. حضرت عبدالبهاء این معنا را در لوحی با تشبیه جامعه بشری به بدن انسان، تشریح می‌فرماید. در این ارتباط اشاره می‌فرماید که تعاون و تعاضد و کارکرد هماهنگ ارگان‌ها و اعضای بدن ما که سبب سلامت و بهزیستی ما است عیناً شبیه همبستگی و روابطی می‌باشد که در خانواده بزرگ بشری وجود دارد. ادای حقوق الله طریقی است برای برقراری چنین توازنی. از طریق ادای حقوق الله جامعه بشری قادر خواهد بود که از نظر توزیع ثروت توازن بیشتری داشته باشد. انجام این فریضه شکاف بین تعداد کمی ثروتمند و جمع بسیاری فقیر را کم می‌کند که یکی از نیازهای بسیار ضروری زمان ما است. حقوق الله وسیله‌ای است برای آغاز تجدید نظر در توزیع ثروت.

"و اما حقوق الله اصل برکت و ظهور عنایت و بروز شفقت است از برای عباد"<sup>37</sup>

حضرت بهاء الله

"نظر بحکمت بالغه و امتحانات خارقه تا آشنا از بیگانه امتیاز باید حقوق بر عباد خویش واجب و مفروض فرمود."<sup>38</sup>

### حضرت عبدالبهاء

"اعطاء حقوق بفرموده مرکز میثاق برای امتحان مؤمنان است و سبب ثبوت و رسوخ ایشان در ایمان و ایقان."<sup>39</sup>

### بیت العدل اعظم

حقوق الله یک امتحان است و از طریق آن احباء از اغیار متمایز می‌گردند. حکم حقوق الله به همین دلیل بر ما فرض شده است و مواهبی که بر اثر ادای آن شامل حال ما می‌شود از پیامدهای گذراندن این امتحان است.

"تم اعلمی بان عباد الرحمن اغناهم الله من کنز ملکوتہ ولكن اعطاء الحقوق هذا امتحان من الله لعباده و امانه"<sup>40</sup> (مضمون بیان: پس بدان که بندگان مؤمن خداوند مهربان از گنج ملکوت او غنی می‌شوند و لکن تقدیم حقوق الله امتحانی است از طرف خداوند برای بندگانش).

### حضرت بهاء الله

خداوند برای مؤمنین مخلص و حقیقی که ادای حقوق الله می‌نمایند اجر فراوان منظور نموده است. این حکم امتحانی است بزرگ تا معلوم گردد آیا ما قادریم آزادانه از دارائی‌های مادی خود منقطع شویم و با فروتنی، خلوص و سرور، بخشی از آنچه را که خدا به ما داده در راهش تقدیم داریم. حضرت بهاء الله در کلمات مکنونه می‌فرماید:

"یا ابن الوجود! لا تشتغل بالدنیا؛ لأن بالنار نمتحن الذهب، و بالذهب نمتحن العباد."<sup>41</sup> (مضمون بیان: ای پسر وجود! خود را به دنیا مشغول مدار، زیرا با آتش طلا را امتحان می‌کنیم و با طلا بندگان را).

خداوند طلا را به عنوان نمادی از ثروت مادی، برای امتحان بندگان به کار می‌برد. تعلق خاطر به عالم مادی (به ثروت و شهرت و غیره) مانعی است بین بندگان و خداوند.

پرداخت حقوق الله یکی از طرقی است که می‌توانیم خود را از جهان مادی منقطع سازیم و به رشد روحانی نائل گردیم. اگر ما قادر باشیم که وظیفه خود را در قبال ادای حقوق الله با کمال رضا و خوشوقتی انجام دهیم، در نزد خدا پذیرفته می‌شود و خداوند به ما اجر می‌دهد. اجری که خدا به ما می‌دهد بسیار عظیم‌تر از مبلغی است که به عنوان حقوق الله تقدیم کرده‌ایم.

حضرت بهاء الله می‌فرماید:

"این بسی معلوم و واضح است که ادای حقوق الهی سبب نعمت و برکت و عزت و حفظ بوده و خواهد بود... و این در صورتی است که بکمال روح و ریحان و میل باحکام کتاب عمل نمایند."<sup>42</sup>

"فی الحقیقه امر حقوق الهی امر بزرگی است بر جمیع ادای آن لازم چه که اوست سبب نعمت و برکت و خیرات و مایکون مع کل نفس فیکل عالم من عوالم ربها الغنی الکریم..."<sup>43</sup>

### حضرت بهاء الله

"الیوم بر کل لازم است بقدر مقدور حقوق الهی را ادا نمایند... این فقره سبب نعمت و برکت و نجات بوده و هست طوبی لمن عمل بما نزل فی کتاب الله العزیز العظیم"<sup>44</sup>

### حضرت بهاء الله

ما باید بخاطر داشته باشیم که با اطاعت از احکام الهی همیشه سود می‌بریم، حتی اگر در زمان انجام آن چنین بنظر نرسد. باز به مثال درخت توجه نمایند. هر سال درخت برگ‌هایش می‌ریزد، و هر چند این امر سبب می‌شود که درخت تا مادامی که برگ‌های جدید برویاند به کندی رشد کند، ولی با ریختن برگ‌ها زمین حاصلخیز می‌شود و درخت قادر است موادی را که برای رشدش لازم است از زمین بگیرد و بیشتر از آنچه اگر برگ‌هایش بر زمین نریخته بود قوی‌تر گردد. به همین منوال وقتی ما حقوق الله تقدیم می‌کنیم، ممکن است به نظر برسد که مبلغی می‌پردازیم، ولی در واقع به خود امکان دریافت برکاتی را می‌دهیم که ما را قوی‌تر می‌سازد.

"این حقوق که ذکر شده و از افق سماء لوح الهی حکم آن اشراق نموده نفع آن بخود عباد راجع است لعمرا الله اگر مطلع شوند بر آنچه مستور است و آگاه گردند از بحر فضلی که در این حکم مکنون است جمیع ناس آنچه را مالکند در سبیل ذکرش انفاق نمایند طوبی لمن فاز بما امر به من لدی الله العظیم الحکیم..."<sup>45</sup>

### حضرت بهاء الله

حضرت بهاء الله دعائی برای ما نازل فرموده‌اند تا به حکم حقوق الله وفادار باشیم.

"سبحانک یا ربّ الکائنات و مرجع الممكنات اشهد بلسان ظاهری و باطنی بظهورک و بروزک و انزال آیاتک و اظهار بیئتاتک و باستغنائک عن دونک و تقدیسک عما سواک اسئلك بعز و اقتدار کلمتک ان تؤید الذی اراد ان یؤدی ما امرته به فی کتابک و یعمل ما یتضوع به عرف قبولک انک انت المقدر الفیاض الغفور الکریم."<sup>46</sup> (مضمون بیان: پاک و بزرگی تو ای خداوند هستی، ای مرجع همه موجودات، شهادت می‌دهم با زبان ظاهری و باطنی خود به ظهور و تجلی تو و نزول آیاتت و اظهار بیئتات و به بی‌نیازی تو از غیر خودت و مقتس و میرا بودنت از عالم مادی، از تو استدعا می‌نمایم به عزت و اقتدار کلامت که تأیید دهی کسی را که اراده کرده است که اداء کند آنچه را در کتابت به او امر کرده‌ای و عمل کند به آنچه که بوی خوش قبول تو از آن ساطع می‌گردد همانا تو مقتدر، فیض دهنده، بخشنده و کریم هستی).

### درس ششم: مطالبه حقوق الله جایز نیست

"مطالبه حقوق ابدأ جایز نبوده و نیست این حکم در کتاب الهی نازل... اگر نفسی بکمال رضا و خوشوقتی بلکه باصرار بخواهد باین فیض فانز شود قبول نمائید و آلا فلا."<sup>47</sup>  
حضرت بهاء الله

"در کلّ امور اعزاز امرالله را باید ملاحظه نمود از قبل نوشتیم اگر جمیع عالم را نفسی مالک باشد و بدهد و بقدر خردلی از عزّت امر بکاهد ترک آن مال لازم و واجب است."<sup>48</sup>  
حضرت بهاء الله

"مطالبه محبوب نبوده و نیست هر امری باید بروح و ریحان تمام شود هر نفسی بکمال رضا اقبال کرد و ادا نمود اخذ نمائید..."<sup>49</sup>  
حضرت بهاء الله

"در باره حقوق بهیچوجه ذکر جائز نه از قبل بآن جناب... امر نمودیم"<sup>50</sup>  
حضرت بهاء الله

ادای حقوق الله یک امر وجدانی است. باید به اراده و میل پرداخت گردد. نه افراد و نه مؤسسات امری هیچکدام حق مطالبه و تقاضا ندارند. باید با میل و رغبت، "بکمال روح و ریحان و میل"<sup>51</sup> و با اشتیاق و عشق پرداخت شود. ما باید حقوق الله را با رضایت و باخاطر خداوند اداء نمائیم، در غیر اینصورت در پیشگاه خدا پذیرفته نخواهد بود.

"... و لکن اظهار و اصرار ابدأ جائز نه هر نفسی موفّق شود بر اداء آن و بروح و ریحان برساند مقبول است و آلا فلا."<sup>52</sup>

حضرت بهاء الله

مطالبه حقوق الله جایز نیست اما تذکر به اجتناب بطور عمومی و یادآوری اهمیت رعایت این حکم جایز است به شرط آنکه با رعایت حکمت انجام شود.

"ادای حقوق بر کلّ فرض است و حکمش از قلم اعلی در کتاب نازل و ثابت و لکن اظهار و اصرار ابدأ جایز نه... از بابت تذکر یکبار باید عموماً در مجلس ذکری بشود و بس. نفوس موقته ثابتّه بصیره خود اقدام مینمایند و بما امر او من لدی الله عامل میشوند. نفع این فتره بخود آن نفوس راجع آن الله غنی عن العالمین."<sup>53</sup>  
حضرت بهاء الله

"و لکن در ذکر حقوق بیک کلمه کنایت نمایند و لوجه الله بآن کلمه نطق کنند و بس اصرار لازم نه چه که حق دوست نداشته و ندارد بر نفوسیکه بخدمت قائمند تعبی وارد شود."<sup>54</sup>  
حضرت بهاء الله

"ادای دین لدی الحق مقبولست و لکن مطالبه نمودن حقوق از نفسی جایز نه از حق بخواهید احبّاء را مؤید فرماید بر ادای حقوق الله چه که این فتره سبب پاکی مال و حفظ آن و خیرات و برکات بوده و خواهد بود."<sup>55</sup>

حضرت بهاء الله

"احدی مطالبه حقوق الله ننماید و این بسته برضای خود نفوس است یعنی نفوس مطیعه مؤمنه مقبله که بکمال تسلیم و رضا حقوق الله را اداء نمایند."<sup>56</sup>  
حضرت بهاء الله

در هر کاری که انجام می‌دهیم، باید متذکر و مراقب باشیم که اعزاز و احترام امر الهی را به هر قیمت رعایت نمائیم. هنگامی که احبّاء را در باره حقوق الله متذکر می‌سازیم، و در واقع همیشه باید به اعزاز امرالله ناظر باشیم. تذکرات ملایم بایستی با روح دوستی و همنلی ارانه شود. اگر شخصی با ادای حقوق الله سبب شود که به هر طریقی به شهرت و اعتبار امر لطمه‌ای وارد گردد، بهتر است آن را پرداخت نکند، صرفنظر از مبلغ آن.

حضرت بهاء الله

"از جمیع دنیا بگذرید و از یک ذره اعزاز امرالله مکنرید."<sup>57</sup>



## درس هفتم: امانت و درستکاری در حقوق الله

"ایاکم یا قوم ان تمنعوا انفسکم عن هذا الفضل العظیم... یا قوم لاتخونوا فی حقوق الله و لاتصرفوا فیها الا بعد اننه کنزک قسوی الامر فی الالواح و فی هذا اللوح المنیع"<sup>58</sup> (مضمون بیان: آگاه باشید ای مردم مبدا خود را از این فضل عظیم ممنوع سازید... ای مردم در حقوق الله خیانت نکنید و بدون اجازه او در آن دخل و تصرف ننمائید چنین امر شده است در الواح و در این لوح شریف).

بسیاری از جزئیات در مورد محاسبه حقوق الله به صلاحیت و نظر فرد و خانواده و گذار گردیده است. هر فرد (یا خانواده) باید با توسل به دعا و مناجات و با کمال امانت مبلغ حقوق الله را که مدیون است محاسبه نماید. این بیان حضرت بهاء الله که می فرماید: "ایاکم یا قوم ان تمنعوا انفسکم عن هذا الفضل العظیم... یا قوم لاتخونوا فی حقوق الله"<sup>59</sup> (مضمون بیان: آگاه باشید ای مردم مبدا خود را از این فضل عظیم ممنوع سازید... ای مردم در حقوق الله خیانت نکنید) در واقع بدان معنا است که 19 درصد از دارائی ما که بعد از مخارج ضروری باقی می ماند (وقتی که به مبلغ تعیین شده بالغ گردد) به ما متعلق نیست، بلکه به خداوند متعلق است و اگر آن را به مصارف دیگر برسانیم و به عنوان حقوق الله نپردازیم، ما با نادرستی عمل کرده و در واقع به خداوند خیانت کرده ایم.

حضرت بهاء الله سپس با اندرز به ما می فرماید "من خان الله یخان بالعدل و الذی عمل بما امر ینزل علیه البرکة من سماء عطاء ربّه الفیاض المعطى الباذل القدیم"<sup>60</sup> (مضمون بیان: کسی که به خداوند خیانت کند، با عدالت به او خیانت می شود و کسی که به آنچه امر شده است عمل کند، بر او برکتی از آسمان بخشش خداوند فیض دهنده، بخشنده و سخاوتمند نازل می شود).

در عین حال که حضرت بهاء الله برکات زیادی را به ما وعده می فرماید در صورتی که ما در انجام وظیفه خود برای پرداخت حقوق الله درستکار باشیم، به ما هشدار نیز می دهند که در انجام وظیفه خود غفلت نورزیم و در محاسبه آن نادرست نباشیم. هیچکس نمی تواند ما را مجبور به پرداخت حقوق الله نماید، اما اگر ما مشمول حقوق الله باشیم و آن را نپردازیم و یا در محاسبه آن درستکار و امین نباشیم خداوند ما را کیفر می دهد. در بیان اول، به ما هشدار می دهد که در حقوق الله "خیانت" نکنیم و در بیان دوم، در باره مجازات ما اگر چنین عملی مرتکب شویم سخن می گوید. اگر در این وظیفه خیانت ورزیم، خداوند با عدل خود با ما رفتار می کند و ما از فیوضات الهی نیز محروم می شویم.

"العمر الله اگر مطلع شوند بر آنچه مستور است و آگاه گردند از بحر فضلی که در این حکم مکنون است جمیع ناس آنچه را مالکند در سبیل ذکرش اتفاق نمایند."<sup>61</sup>  
حضرت بهاء الله

اجتناب از پرداخت حقوق الله و مصرف آن در راه های دیگر، هر چند برای امور خیر باشد، سوءاستفاده از پولی که به خدا متعلق است تلقی شده خیانت محسوب می گردد. هر کمک به خیریه یا حتی سایر صندوق های امری باید پس از آنکه حقوق الله خود را اداء کردیم پرداخت شود.

هشدار های دیگری در این مورد وجود دارد. حضرت بهاء الله می فرماید: "من سمع لنفسه و الذی لم یسمع علیه"<sup>62</sup> (مضمون بیان: هر کس به این حکم گوش فرا دهد و اطاعت کند، به سود خودش خواهد بود و هر کس قصور ورزد ضرر را متوجه خودش می نماید) و سپس می فرماید: "از حق جلت و عز بخواید ناس را مؤید فرماید بر ادای حقوق چه که اگر جمیع ثمره این عمل را ادراک می نمودند و حقوق الهیه را منع نمی کردند اجبای آن ارض عسرت مشاهده نمی نمودند."<sup>63</sup>

حضرت بهاء الله ضمن اشاره به فقر و اغنیای عالم، در مورد اجتناب از ادای حقوق الله بار دیگر هشدار می دهند، "قل لعمر الله لایحتقر احد بالفقر عند ربّه بل یزداد لو یجده من الصّابرين طوبی لفقیر صبر و و یل لغنی امسک حقوق الله و ما فرض علیه فی لوجه الحفیظ."<sup>64</sup> (مضمون بیان: بگو به خدا قسم! هیچکس بخاطر فقر نزد خدا حقیر شمرده نمی شود، بلکه مقامش بالا می رود اگر از صبرکنندگان باشد. خوشا به حال فقیری که در صبوری ثابت قدم است و ای به حال ثروتمندی که از پرداخت حقوق الله و آنچه بر او در لوح محفوظ الهی واجب شده است امتناع ورزد). همچنین در مورد نفوسی که از اهمیت حقوق الله غافلند می فرماید: "... سعی نموده و می نمایند یا از حلال و یا از حرام چیزی نخیره نمایند و از برای وراثتی که ثمر آن معلوم نیست بگذارند بگو امروز کلمه الله وارث است...."<sup>65</sup> در لوح دیگری می فرماید: "چه مقدار از نفوس که بکمال سعی و اجتهاد مشتئی از زخارف جمع می نمایند و کمال فرح و شادی را از جمع آن دارند و لکن در باطن از قلم اعلی بیگران محول شده یعنی نصیب خود ایشان نیست بما می شود که به اعدای آن نفوس می رسد اعاننا الله و ایاکم من هذا الخسران المبین عمر تلف شد و شب و روز زحمت کشیده شد و مال هم سبب وبال گشت اکثر اموال ناس طاهر نیست اگر ناس بما انزله الله عامل باشند البتّه عنایت حقّ آن نفوس را محروم نگذارد در هر حال فضلش مراقب و رحمتش متوجه خواهد بود."<sup>66</sup>

حضرت بهاء الله از ما می خواهند که همواره با اعتدال رفتار نمایم. به ما هشدار داده شده که برای اجتناب از پرداخت حقوق الله در خرج اسراف نکنیم. در عین حال به ما توصیه می فرماید که پرداخت حقوق الله نباید باعث فشار مالی بر ما شود. قبل از پرداخت آن، باید مطمئن شویم که مخارج خانواده ما تأمین گردیده، قرض های ما اداء شده و سایر هزینه های لازم (مانند هزینه کفن و دفن ما) منظور گردیده است. حقوق الله به ثروت اضافی تعلق می گیرد.

"... حقّ دوست نداشته و ندارد بر نفوسی که بخدمت قائمند تعبیه وارد شود."<sup>67</sup> "حقوق الهی باید در صورت امکان و روح و ریحان داده شود نفوسی که استطاعت ندارند بطراز عفو الهی مزینند."<sup>68</sup>  
حضرت بهاء الله

## درس هشتم: محاسبه حقوق الله

"در ذکر حقوق الهی ... این فقره بسته باقیبال خود نفوس است ... هر نفسی بکمال رضا اقبال کرد و ادا نمود اخذ نمایند و من دون آن ان ربنا الرحمن لغنی عن العالمین"<sup>69</sup>  
حضرت بهاء الله

"والذی تملک مائة مثقال من الذهب فتسعة عشر مثقالاً لله فاطر الارض و السماء"<sup>70</sup> (مضمون بیان: و کسی که صد مثقال طلا را مالک شود پس نوزده مثقال برای خداوند خالق زمین و آسمان است).  
حضرت بهاء الله

"هر چه بر نوزده بیفزاید حقوق تعلق نمی‌گیرد و آلا بنورده دیگر برسد."<sup>71</sup>  
حضرت بهاء الله

"بنابر این نوزده مثقال برابر 69/ 191667 گرم خواهد بود و چون یک اونس برابر 31/ 103486 گرم است بنابراین 19 مثقال برابر 2 / 224563 اونس خواهد بود."<sup>72</sup>  
بیت العدل اعظم

### نکاتی در باره محاسبه حقوق الله (مبتنی بر دستخطهای بیت‌العدل اعظم):

- 1- اگر شخصی معادل 19 مثقال طلا بدست بیاورد، نوزده در صد آن (19%) متعلق به حقوق الله است. بدین معنا که هرگاه شخص بعد از کسر مخارج مورد نیاز سالانه، معادل 19 مثقال طلا را مالک شود، به آن مبلغ حقوق الله تعلق می‌گیرد و ادای آن فرض و واجب است.
- 2- حقوق الله فقط یکبار اداء می‌شود؛ مثلاً اگر شخصی معادل 1000 مثقال طلا به دست آورد و حقوق الله آن را اداء نماید دیگر تا آن مبلغ در تملک آن شخص است حقوق الله به آن تعلق نمی‌گیرد. اما وقتی آن 1000 مثقال طلا از طریق تجارت یا وراثت به افراد دیگر منتقل گردد، فرد دیگری که آن مبلغ را دارا شده باید حقوق الله بپردازد.
- 3- وقتی دارائی فرد از ارزش 19 مثقال طلا تجاوز کند، حقوق الله میزان اضافه شده وقتی قابل پرداخت خواهد بود که مبلغ اضافه شده به میزان ارزش 19 مثقال طلا بالغ گردد.
- 4- اگر بعد از پرداخت حقوق الله، تمام مبلغ اصلی (یا قسمتی از آن) از دست رود و سپس بعد از مدتی دوباره به دست آید، برای مبلغ دوباره بدست آمده حقوق الله پرداخت نمی‌شود.
- 5- دارائی‌های ذیل از حقوق الله معاف است و نباید در محاسبه منظور گردد: محل اصلی اقامت شخص، میلمان و اثاثیه مورد نیاز منزل و ایزاری که برای شغل و حرفه شخص مورد نیاز است مانند وسائل کشاورزی، حیواناتی که برای شخم زمین به کار می‌روند، تجهیزات ساختمانی، یا ابزار لوله‌کشی که برای امرار معاش به کار می‌رود. اگر کسی بیشتر از یک خانه را مالک باشد، می‌تواند یکی از آنها را به عنوان محل اقامت اصلی خود در نظر گیرد که از حقوق الله معاف باشد.
- 6- ما وقتی نیازهای خود را برای محاسبه حقوق الله در نظر می‌گیریم باید اعتدال را رعایت نماییم. تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه چیز مورد نیاز است (و نتیجتاً از حقوق الله معاف است) و چه چیز مورد نیاز نیست بر عهده هر فرد گذاشته شده است. ما نباید در مخارج خود اسراف کنیم تا از پرداخت حقوق الله معاف گردیم، در عین حال نباید سختی و مضیقه بر خود و خانواده‌مان روا داریم.
- 7- حقوق الله بر دارائی‌هایی که بطور مسلم متعلق به خود شخص است تعلق می‌گیرد، نه بر دارائی‌هایی که تحت کنترل شخص است یا فقط از آنها استفاده می‌کند.
- 8- وقتی یک خانواده منبع درآمد مشترکی دارند و یا املاک بطور مشترک به زن و شوهر هر دو تعلق دارد، اساساً باید زن و شوهر بین خود مشورت نمایند که کدامیک و چگونه باید حقوق الله را اداء نمایند. زن و شوهر هر یک آزاد هستند که تصمیم بگیرند آیا می‌خواهند بطور مشترک حقوق الله تقدیم دارند و یا بطور فردی.
- 9- حقوق الله فقط یکبار به یک ملک تعلق می‌گیرد، ولی اگر آن ملک به شخص دیگری منتقل شد (از طریق فروش یا وراثت)، مجدداً مالک جدید باید حقوق الله بپردازد.
- 10- بسیار مهم است که حقوق الله خود را قبل از آنکه این عالم را ترک کنیم بپردازیم. در غیر این صورت کسی که کنترل اموال ما را در دست دارد باید بعد از کسر بدهی‌های ما و پرداخت هزینه کفن و دفن، مقدار حقوق الله که تعلق می‌گیرد اداء کند. هزینه کفن و دفن و بدهی‌های شخص بر پرداخت حقوق الله اولویت دارد.
- 11- یک فرد بهائی نمی‌تواند وظیفه پرداخت حقوق الله را از جانب دیگری انجام دهد.
- 12- تقدیم تبرعات به صندوق امر نمی‌تواند به عنوان قسمتی از حقوق الله شخص منظور گردد؛ بعلاوه اگر کسی نسبت به حقوق الله مدیون است، ولی توانائی ندارد هم حقوق الله بپردازد و هم به صندوق کمک کند، ادای حقوق الله باید بر کمک به

صندوق اولویت داشته باشد. اما این مسئله که کمک به صندوق ممکن است در محاسبه حقوق الله به عنوان هزینه منظور گردد، به قضاوت هر فرد بر حسب شرایط او واگذار می‌گردد.

13- اگر یک فرد بهائی فقیر باشد و ثروتی معادل نوزده متقال طلا نداشته باشد، بر طبق آثار مقدسه، ادای حقوق الله بر آن شخص واجب نیست و او بطراز عفو الهی مزین است. یک چنین شخصی می‌تواند به صندوق‌های مختلف امر هر مقدار که مایل است کمک کند و اگر مایل باشد حقوق الله هم بپردازد و سوابق این پرداخت را نگهدارد تا هنگامی که مشمول پرداخت حقوق الله شد آنها را محاسبه نماید.

14- هر چند که به پرداخت سالیانه حقوق الله در آثار اشاره شده است، ولی تصمیم در مورد زمان و روش پرداخت به عهده افراد گذاشته شده است. بنابراین هیچ اجباری وجود ندارد که شخص سعی کند که با عجله دارائی خود را تبدیل به پول نماید تا بتواند حقوق الله خود را اداء کند.

حضرت بهاء الله بسیاری از جزئیات در مورد محاسبه حقوق الله را به عهده افراد واگذار کرده‌اند. بیت العدل اعظم نیز در نظر ندارد روش خاصی برای محاسبه تعیین و برای استفاده در اختیار احباء قرار دهد. احباً آزاد هستند که بر اساس دستورات موجود روش خود را انتخاب کنند. بنابراین هر فرد (یا خانواده) باید با حالت دعا و مناجات و با صداقت کامل لیست و ارزش مایملک خود، و میزان درآمد و مخارج خود را تعیین نماید و سپس مبلغ حقوق الله را محاسبه نماید.

## درس نهم: مقایسه حقوق الله با سایر تبرّعات

"ادای حقوق الله از فرایض حتمیه روحانیّه اهل بهاء است که از قلم اعلی در کتاب مستطاب اقدس نازل شده بنابراین یاران حساب حقوق الله را باید از تبرّعات سائره جدا شمارند یعنی ابتدا حقوق الله را تأدیه کنند سپس به اختیار خویش به تبرّعات سائره پردازند زیرا وجوه حقوق الله باید به اراده مرجع امر مصرف گردد حال آنکه تبرّعات سائره بنا به تشخیص و تصمیم نفس تبرّع کننده است."<sup>73</sup> بیت العدل اعظم

"...قرارش بفرموده جمال قدم جلّ ثنانه بعد از تحقّق بیت العدل علی ما اراده الله تعیین گردد و احدی جز مرجع امر حقّ تصرف در آن ندارد یعنی آنچه از اموال نفوس به حقوق الله راجع و مخصوص است تعلق به مرکز امر الله دارد نه به آن نفوس.

لهذا یاران به تشخیص و اراده خود نباید وجود حقوق الله را به مصارف دیگر رسانند ولو آنکه مصارف خیریه امریه باشد.

امیدوار چنانیم کلّ بر این وظیفه مبارکه مقدسه که کافل سعادت حقیقیّه و مؤید اجرانات عمومیّه اهل بهاست مؤثّق و فانز گردند."<sup>74</sup> بیت العدل اعظم

"تقدیم تبرّعات به صندوق محافل نمیتواند جزئی از پرداخت حقوق الله محسوب گردد. بعلاوه اگر کسی به حقوق الله مدیون باشد و نتواند از عهده پرداخت حقوق الله و تبرّعات هر دو برآید تأدیه حقوق الله بر تقدیم تبرّعات ارجحیت دارد. اما اینکه در تعیین موجودی یک فرد که باید از آن حقوق الله پرداخت گردد آیا ممکن است پرداخت تبرّعات را بحساب در آورند یا نه مسئله ای است که باید به قضاوت شخصی افراد محول ساخت تا هرکس در این باره طریق اوضاع و احوال خود تصمیم بگیرد."<sup>75</sup> بیت العدل اعظم

ادای حقوق الله، کمک به صندوق و سایر تبرّعات به امر مبارک همه از ثمرات درخشان عشق، تعهد و شور و شوق ما نسبت به حضرت بهاء الله است. ولی چهار تفاوت اصلی بین آنها وجود دارد:

1- ادای حقوق الله بر همه آنها اولویت دارد زیرا حقوق الله به خداوند متعلق است. تبرّعات به صندوق های امری باید از مایملک خودمان پرداخت گردد نه از آنچه به خدا تعلق دارد.

2- ادای حقوق الله بر طبق نصّ صریح کتاب اقدس فریضه ای است که موقوف به احکام و دستورات خاصی میباشد، در حالیکه سایر تبرّعات و کمک های مالی جزو احکام شمرده نمیشود. بلکه تبرّعات نشانه ای از فداکاری، سخاوت مندی، انقطاع و بخشندگی تبرّع کننده است که از روی عشق به حضرت بهاء الله آرزو دارد به نیازهای پیشرفت امر الهی کمک کند.

3- حقوق الله با محاسبه درست و بطور دقیق تعیین می گردد، در حالیکه هیچ قاعده و قانونی در مورد دفعات و یا میزان تبرّعات و کمک به صندوق وجود ندارد.

4- مصرف حقوق الله صرفاً به مرکز امر که مرجع همه می باشد مربوط است، در حالی که مصرف سایر کمک ها و تبرّعات وابسته به منظور و مقصودی است که تبرّعات برای آن صورت گرفته است.

حضرت بهاء الله در سال 1853 به وحی الهی ملهم گشتند و بیست سال بعد در پاسخ به درخواست احباء، کتاب مستطاب اقدس را نازل و احکام و تعالیم الهی را برای این زمان به پیروان خود ابلاغ فرمودند. پس از نزول کتب اقدس، حضرت بهاء الله مایل نبودند آن را برای احباء بفرستند و برای متنی این کار را به تعویق انداختند. البته ما دقیقاً نمی‌دانیم تا چه مدت، ولی می‌توان گفت حدود پنج سال طول کشید. بعداً آن حضرت این کتاب را به ایران که در آن زمان اکثریت پیروانش در آن ساکن بودند فرستادند.

حکم حقوق الله در کتاب مستطاب اقدس نازل شد. ولی حضرت بهاء الله هیچ‌گونه ترتیبی برای دریافت این حقوق ندادند، بلکه تا پنج سال بعد از نزول کتاب اقدس صبر نمودند و سرانجام در سال 1878 اجازه دریافت حقوق الله را صادر فرمودند. حضرت بهاء الله فقط در 14 سال آخر حیات عنصری خود دریافت حقوق الله را جایز شمردند. الواح حضرت بهاء الله نمایانگر آن است که آن حضرت از نحوه‌ای که پول و ثروت مادی موجب تزلزل دین در گذشته گردیده بود کاملاً آگاه بودند و ترجیح می‌دادند که دیانت بهانی همه کمک‌های مالی، حقوق الله و سایر منافع مادی را فدا کند تا اینکه اجازه دهند این امور اندک لطمه‌ای به عزت و اعتبار و پاکی امر الهی وارد سازد. این گرایش درس بزرگی برای همه بهائیان و همه مؤسسات بهانی در همه زمان‌ها خواهد بود.

مع الوصف حضرت بهاء الله اشاره می‌فرمایند که خداوند پیشرفت امرش را به اسباب مادی موکول نموده است. به این دلیل است که حضرت ولی امر الله نیز اشاره فرموده‌اند که "اعانه در این سبیل از احتیاجات ضروریه امر الله است" [گزار تعالیم بهانی، ص 94]. بدین ترتیب همانطور که آگاهی احباء افزایش می‌یافت، حضرت بهاء الله قبول حقوق الله را جایز فرمودند به شرط آنکه اداءکننده در کمال میل و اشتیاق و آگاهی اقدام نماید. به منظور دریافت حقوق الله، حضرت بهاء الله یکی از مهم‌ترین مؤسسات دیانت بهانی، یعنی مؤسسه امین حقوق الله را به وجود آوردند.

اولین فردی که به انتصاب به مقام امین حقوق الله مفتخر گشت جناب شاه محمد از اهالی مشهد بود که توسط حضرت بهاء الله به این مقام منصوب شد و نهایتاً لقب امین‌البیان را از حضور مبارک دریافت نمود. جناب شاه محمد به منظور دریافت و انتقال مبالغ تقدیمی احباء و عرایض آنان به حضور حضرت بهاء الله، با مشکلات و مشقات و مخاطرات فراوان به سفرهای متعددی اقدام نمود در مراجعت از ارض اقدس اخبار و الواح مبارکه را برای احباء می‌آورد. بعداً جناب شاه محمد حاجی ابوالحسن اردکاتی را به عنوان معاون خود تعیین نمود که در جهت خدمت به حضرت بهاء الله در همه سفرها با او همراه بود.

بعد از صعود جناب شاه محمد، حضرت بهاء الله جناب حاجی ابوالحسن اردکاتی را به این مقام منصوب فرمودند که بعداً لقب امین یا جناب حاجی گرفت. او همچون کرکب درخشانی برای 47 سال با نوق و شور و اشتیاق به امر مبارک خدمت نمود. وی از مال دنیا کاملاً بی‌نصیب بود و حتی یک خانه و سرپناه برای خود نداشت. این نفس نفیس در راه خدمت به امر الهی به زندان افتاد و سختی و مشقت فراوان کشید، ولی هرگز شکوه و شکایت ننمود. او دائماً خانه به خانه و شهر به شهر سفر می‌نمود و با احباء ملاقات و مشورت می‌کرد و آنچه را تقدیم می‌داشتند به مرکز امر می‌برد. جناب حاجی در مقام امین حقوق الله برای یازده سال در زمان حضرت بهاء الله و تمام دوران حضرت عبدالبهاء (29 سال) و هفت سال از دوران حضرت ولی امر الله قائم به خدمت بود. او در آخر حیات بیمار و رنجور شد و در منزل دوست و معاون خود، حاجی غلامرضا که بنا به اظهار تمایل حضرت عبدالبهاء به جانشینی جناب حاجی امین تعیین و به مقام امین حقوق الله منصوب شده بود بستری گردید. حاجی امین بعد از صعودش در سال 1928، توسط حضرت ولی امر الله به مقام ایادی امر الله منصوب گردید.

سومین امین حقوق الله، جناب حاجی غلامرضا توسط حضرت عبدالبهاء منصوب شد و لقب امین امین گرفت. وی برای یازده سال در دوران حضرت ولی محبوب امر الله در این مقام باقی بود. جناب حاج غلامرضا که از یکی از خانواده‌های تجار ثروتمند و مشهور تهران بود، بعد از بهانی شدن به فعالیت‌های امری پرداخت و در سن 32 سالگی کار تجاری خود را ترک گفت و حیات خود را کاملاً وقف خدمت به امر مبارک نمود. در دورانی که او امین حقوق الله بود اقدامات اولیه برای ثبت مستغلات و موقوفات بهانی در ایران به عمل آمد. وی در سال 1939 به ملکوت ابهی صعود نمود.

حضرت ولی امر الله جناب ولی الله ورقا، سومین پسر ورقای شهید و برادر روح الله را به عنوان چهارمین امین حقوق الله منصوب فرمودند. یکی از امتیازات جناب ولی الله ورقا این بود که در معیت حضرت عبدالبهاء به عنوان مترجم به اروپا و آمریکا سفر کرده بود. او در میادین مختلف خدمت نمود و شانزده سال امین حقوق الله بود و برای آنکه تمام وقت خود را وقف این وظیفه مقدس نماید از شغلی که داشت استعفاء داد. در زمان تصدی او اجرای حکم حقوق الله در سراسر ایران گسترش یافت و نتیجتاً احباء بیشتری به انجام این وظیفه توفیق یافتند و مبالغ هنگفت و املاک زیادی به امر تقدیم گردید. در سال 1951 جناب ولی الله ورقا از طرف حضرت ولی امر الله به مقام ایادی امر منصوب گردید. او تا نوامبر سال 1955 که به ملکوت ابهی صعود نمود به خدمات خستگی‌ناپذیر خود ادامه داد.

حضرت ولی امر الله ضمن همان تلگرافی که صعود جناب ولی الله ورقا را (در سال 1955) اعلام نمودند، دکتر علی محمد ورقا، پسر جناب ولی الله ورقا را در مقام پنجمین امین حقوق الله و نیز ایادی امر الله منصوب فرمودند. دکتر ورقا تحت هدایات بیت العدل اعظم، گسترش مؤسسه حقوق الله را در بسیاری از کشورها در همه قارات عالم رهبری کرده و به بهائیان عالم کمک نموده است تا درک بهتری از این حکم محکم الهی داشته باشند.

تا چندی پیش رعایت حکم حقوق الله فقط منحصر به احباء ایران و سرزمین‌های اطراف آن بود. اجرای این حکم توسط همه بهائیان در مقیاس جهانی به سال‌ها بعد (1992) موکول گردیده بود. در طی چندین نقشه تبلیغی بین‌المللی، بسیاری از بهائیان ایران به سایر کشورها مهاجرت کردند و بنابراین لازم شد که جناب دکتر ورقا به منظور تسهیل ادای حقوق الله توسط این احباء، امنای حقوق الله را در این کشورها و بیرون از مرزهای ایران تعیین نماید. بتدریج بعد از ترجمه آثار مقدسه، بهائیان سایر کشورها در باره حکم حقوق الله آموختند. آن دسته از آنان که اشتیاق اجرای این حکم را داشتند تشویق شدند تا زمانی که اجرای عمومی حکم حقوق الله توسط مرکز امر اعلام گردد، به صندوق‌های مختلف امر تبرعات تقدیم نمایند.

در سال 79-1978، دکتر ورقا از بیت العدل اعظم سنوال نمودند که آیا زمان برای اجرای حکم حقوق‌الله در بعضی از کشورهای دیگر مقتضی می‌باشد. بیت العدل اعظم پاسخ دادند که حکم حقوق‌الله بسیار مهم است و اجرای آن مستلزم زمان و مشورت در آینده می‌باشد. در آوریل 1984، در طی هفتاد و پنجمین کاتونشن ملی بهائیان ایالات متحده آمریکا، صدها نفر از احتیاطوماری را امضاء کردند و از بیت العدل اعظم درخواست نمودند که اجازه دهند اجرای حکم حقوق‌الله عمومی باشد. در پاسخ، بیت العدل اعظم دو هدف مهم برای نقشه شش ساله (1992-1986) تعیین فرمودند. یکی از این اهداف ترجمه کتاب اقدس برای اولین بار به زبان انگلیسی بود، و دیگری آموزش حکم حقوق‌الله به احتیاط در همه نقاط جهان و آماده کردن راه برای اجرای حکم حقوق‌الله در سراسر عالم بهائی بود. در طی این دوران، گرچه این حکم هنوز برای همه بهائیان عمومیت پیدا نکرده بود، ولی اگر احتیاط مایل به ادای حقوق‌الله بودند به آنها اجازه داده می‌شد که این کار را انجام دهند.

جهت آمادگی برای اجرای جهانی حکم حقوق‌الله، به دستور امین حقوق‌الله، جناب دکتر ورقا، دفتر حقوق‌الله در ارض اقدس (در نوامبر 1991) تأسیس گردید. بیت العدل اعظم این تحویل را یک "گام مهم در تکامل این مؤسسه مقدس" نامیدند. در آوریل 1991 بیت العدل اعظم به عالم بهائی اعلام فرمودند که از اول رمضان 1992 (21 آوریل 1992)، آغاز سال مقدس و صدمین سال صعود حضرت بهاء‌الله، اجرای حکم حقوق‌الله عمومی خواهد شد و با شفقت از بهائیان سراسر عالم دعوت نمودند که آن را رعایت نموده از برکات این حکم محکم الهی نصیب برند.

اکنون نمایندگان حقوق‌الله که توسط امنای حقوق‌الله و یا هیئت امنای حقوق‌الله، هر جا که هیئت وجود داشته باشد، منصوب می‌شوند تقریباً در همه کشورهای جهان مشغول به خدمت می‌باشند. این امنا و نمایندگان حقوق‌الله در معیت محافل روحانی ملی مسئولیت آموزش این حکم الهی را به همه بهائیان بر عهده دارند. در بعضی از قسمت‌های جهان که شرایط مساعد است هیئت امنای حقوق‌الله تأسیس شده است که وظیفه آنها عبارت است از:

"... بر عهده گرفتن مسئولیت کلی اداره امور مؤسسه حقوق‌الله برای تمامی ناحیه تحت اشرافشان، در حالی که هر عضو هیئت امنا وظیفه نظارت بر نمایندگان خود و ناحیه تحت اشرافش را دارد."<sup>76</sup> (دفتر حقوق‌الله در ارض اقدس)

تحت هدایات بیت العدل اعظم و مدیریت هیئت بین‌المللی امنای حقوق‌الله، این مؤسسه مقدس شاهد توسعه و گسترش فزاینده‌ای خواهد بود تا پاسخگوی نیازهای جامعه جهانی بهائی که سریعاً در حال رشد است باشد.

### درس یازدهم: مدیریت و اداره حقوق الله

"از برای حقوق الهی قرار است معین بعد از تحقق بیت العدل علی ما اراده الله حکم آن ظاهر می‌شود"<sup>77</sup>

حضرت بهاءالله

چه کسی حقوق الله را دریافت می‌دارد؟

"حکم محکم اینکه در هر بلد آنچه از حقوق الله موجود است و یا بشود باید در ساحت اقدس عرض شود."<sup>78</sup>

حضرت بهاءالله

حضرت ولی امرالله

"در خصوص حقوق الله حقوق الهی راجع بمرکز امر است."<sup>79</sup>

همیشه مرکز و مرجع امر حقوق الله را دریافت می‌دارد. بعد از آنکه حضرت بهاءالله صعود فرمودند، حقوق الله به حضور حضرت عبدالبهاء ارسال می‌شد. وقتی حضرت عبدالبهاء صعود فرمودند، حضرت ولی محبوب امرالله حقوق الله را دریافت می‌نمودند. امروزه مرکز و مرجع امر بیت العدل اعظم است که وجوه حقوق الله به آن معهد ارسال می‌گردد.

#### جمع آوری حقوق الله

"...حقوق الله را به هر نفسی نمی‌توان داد این کلمه حق بوده باید حقوق الله نزد نفوس امینه جمع شود و بعد به ید امنای الهی بساحت اقدس ارسال گردد..."<sup>80</sup>

حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله افراد احبّاء را برای خدمت در مقام امین حقوق الله منصوب فرمودند. امین حقوق الله مبالغ تقدیمی جهت حقوق را جمع آوری می‌نمود و آن را به حضور حضرت بهاءالله ارسال می‌داشت. حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله نیز امین حقوق الله منصوب فرمودند. امروزه هیئت بین‌المللی امین حقوق الله توسط بیت العدل اعظم منصوب می‌گردد.

در سال 1992، هنگامی که بیت العدل اعظم از همه بهائیان سراسر جهان دعوت نمودند که حکم حقوق الله را اجرا کنند، این حکم عمومی و برای همه بهائیان قابل اجرا شد. از آنجائی که تعداد فزاینده‌ای از احبّاء حکم حقوق الله را رعایت کردند، بیت العدل اعظم به منظور تسهیل ادای حقوق الله توسط احبّاء در همه نقاط جهان، از دکتر ورقا خواستند تا در هر جا که لازم باشد امنای حقوق الله را تعیین نمایند. این افراد نیز به نوبه خود، معمولاً یک نفر را تقریباً در هر کشور به عنوان نماینده حقوق الله برای آن کشور تعیین نموده‌اند. در حال حاضر شبکه‌ای از هیئت‌های امنای حقوق الله در سراسر جهان وجود دارد که فعالیت‌های این مؤسسه را در منطقه تحت اشراف خود هماهنگ می‌نمایند.

این افراد امین و مورد اعتماد حقوق الله را از احبّاء دریافت نموده از طریق کاتال‌های اداری به بیت العدل اعظم ارسال می‌دارند. همچنین حقوق الله را می‌توان مستقیماً به مرکز جهانی بهائی ارسال داشت. محافل روحانی ملی نیز می‌توانند حقوق الله را دریافت نموده به بیت العدل اعظم منتقل سازند.

#### تصرف در حقوق الله

"تصرف در حقوق جزئی و کلی جائز ولی باذن و اجازه مرجع امر"<sup>81</sup>

حضرت عبدالبهاء

"...حقوق الله از تکالیف قاطعه شرعی اهل بهاست که طبق نصوص مبارکه بمرجع امر راجع و قرارش بفرموده جمال قدم جلّ ثناته بعد از تحقق بیت العدل علی ما اراده الله تعیین گردد و احدی جز مرجع امر حق تصرف در آن را ندارد."<sup>82</sup>

بیت العدل اعظم

وقتی ما به صندوق‌های مختلف امر کمک می‌کنیم، می‌توانیم تبرع خود را برای منظور خاصی اختصاص دهیم. حقوق الله با آن فرق دارد. این حقوق به خداوند متعلق است و ما نمی‌توانیم در مورد نحوه مصرف آن تصمیم بگیریم. حقوق الله فقط توسط مرجع امر دریافت می‌شود و به مصرف می‌رسد. بیت العدل اعظم حقوق الله را دریافت می‌نمایند و آن را "... علی الفقراء و الضعفاء و المساکین و الایتام و سائر المصارف اللازمة فی امرالله..."<sup>83</sup> به مصرف می‌رسانند.

## درس دوازدهم: داستان‌هایی در باره حقوق‌الله

به ما توصیه شده که حقوق‌الله خود را قبل از ترک این جهان بپردازیم، زیرا در آن صورت ما آزاد خواهیم بود بدون آنکه در پیشگاه الهی مدیون باشیم به عالم بعد برویم. اگر ما بدهی خود را به خداوند اداء نکنیم، خانواده ما مجبور خواهند شد که آن را برای ما اداء نمایند.

ذیلاً داستانی نقل می‌شود از ایمان و تعهد باتونی به امر مبارک و عزم راسخ او در انجام وظیفه خود در مورد حقوق‌الله قبل از ترک این عالم.

### از روسیه با عشق

حضرت عبدالبهاء احباً را تشویق فرمودند تا به ایالت‌های روسیه تزاری مهاجرت نمایند و امر مبارک را به مردم این مناطق ابلاغ کنند. در نتیجه نفوس زیادی در این کشور به حضرت بهاء‌الله ایمان آوردند و در واقع اولین مشرق الانکار بهائی در عشق‌آباد واقع در ترکمنستان روسیه ساخته شد.

سپس حزب کمونیست در روسیه به قدرت رسید و فعالیت‌های مذهبی در سراسر اتحاد شوروی به شدت محدود گردید. مشرق الانکار مصادره شد و برای مدت هفتاد سال تشکیل جلسات و شرکت در امور اداری بهائی برای بهائیان غیرقانونی و ممنوع بود. ارتباط اکثریت عظیمی از بهائیان شوروی از هینت اصلی همسلسکاتشان و از مرکز جهانی بهائی قطع شد. تماس تعداد معدودی مسافران بهائی که می‌توانستند وارد اتحاد شوروی شوند با بهائیان بومی بسیار خطرناک بود.

بعداً در اواخر دهه 1980، ناگهان رژیم‌های کمونیستی بلوک شوروی یکی بعد از دیگری شروع به سقوط نمودند. بدین ترتیب بیت‌العدل اعظم توانستند بهائیتی را که در آنجا باقی مانده بودند پیدا کنند. مبلغین سیار بهائی از روسیه دیدن کردند. یک روز گروهی از این مبلغین که برای صرف غذا در رستورانی جمع شده بودند با تعجب متوجه شدند که نام پیشخدمتی که از آنان پذیرایی می‌کرد طاهره بود - یعنی نام یکی از حروف حی که توسط حضرت باب منصوب گردیده بود.

از آن خاتم در مورد چگونگی نامیده شدنش به این نام سوال کردند و معلوم شد که مادر بزرگ او این نام را بر وی نهاده بود. با پرس و جو معلوم شد که مادر بزرگش هنوز زنده است ولی بسیار پیر و نقوان و در بستر بیماری است.

وقتی رستوران تعطیل شد طاهره مبلغین سیار را که مشتاق دیدن مادر بزرگش بودند به خانه برد و آنها ضمن ملاقات با آن بانوی سالخورده با نهایت خوشحالی متوجه شدند که او در واقع بهائی است. تنها چیزی که از دیانت بهائی داشت یک کتاب مناجات بود که با گذشت زمان و استقاده روزانه کهنه و پاره شده بود و او آن را زیر بالش خود نگهداشت و یک کیسه پول که آن را زیر تختخواب خود پنهان کرده بود.

این کیسه پول را او به مبلغین سیار داد و به آنها گفت که این پول حقوق‌الله است که در طول تمام آن سال‌هایی که رابطه‌اش با مرکز میثاق قطع شده بود با خود نگهداشته بود. این نفس نفیس شرح داد که صبورانه منتظر روزی بوده است که بتواند این مبلغ را به مرکز جهانی بفرستد و اکنون که این کار را کرده است، می‌تواند با خوشحالی و آرامش این عالم را ترک کند.

میزان شادی و سرور همه کسانی را که در آنجا حضور داشتند می‌توان تصور نمود ولی آن زن سالخورده از اینکه وظیفه روحانی خود را انجام داده بود رضایت عمیقی احساس می‌کرد.

این داستان واقعی نمایانگر ثبوت و رسوخ، فداکاری، و استقامتی است که از ما بهائیان معمولی ساخته است.

### امانت و اشتیاق در مورد ادای حقوق‌الله

به ما توصیه شده که در ادای حقوق‌الله امین و درستکار باشیم و با شوق و نوق این حکم محکم را اجرا نماییم. داستان زیر درستکاری یک فرد بهائی را در معاملات تجاری‌اش و ضرورت و فوریتی را که او در پرداخت حقوق‌الله احساس می‌کند نشان می‌دهد.

آقای موسی بنانی قبل از آنکه به آفریقا، کشور یوگندا مهاجرت کند تاجر ثروتمندی بود. بعداً توسط حضرت ولی محبوب امرالله، شوقی افندی به مقام ابدی امرالله منصوب شد. یک فرد بهائی به نام کمال که برای آقای بنانی کار می‌کرد این داستان جالب را نقل کرده است.

آقای بنانی تصمیم گرفت که ملک بسیار ارزشمندی را که در یکی از بهترین محله‌های تهران داشت به فروش برساند و دو نفر در این ارتباط به ملاقات او آمدند. قیمت به آنها داده شد و آنها گفتند که علاقمند به خرید آن ملک هستند ولی پول نقد کافی در اختیار ندارند و از آقای بنانی خواستند که آن ملک را تا یک ماه به کسی نفروشد تا در ظرف این مدت آنها بتوانند پول را آماده سازند. آقای بنانی درخواست آنان را پذیرفت و تاریخی را یادداشت کرد و گفت اگر تا آن روز آنها نتوانستند پول را حاضر کنند او ملک را به کس دیگری ارائه خواهد داد. این قرار شفاهی بود و هیچ نوشته‌ای رد و بدل نشد.

مدتی گذشت و هیچ خبری از آن دو مرد نشد. بعد یک روز شخص دیگری برای خرید آن ملک آمد، آقای بنانی به او در باره قولی که به مشتریان اول داده بود توضیح داد، اما آن شخص گفت حاضر است ملک را به دو برابر قیمتی که آنها قرار بود بپردازند



بخرد و تمامی آن پول را باخود آورده بود. کمال از این وضع کاملاً به هیجان آمده بود و با این فکر که چنین فرصتی را نباید از دست داد مشتاق بود که آقای بنانی این پیشنهاد را قبول کند. او با خود استدلال می‌کرد که اگر مشتریان اوّل در باره خرید این ملک جدی بودند می‌بایستی دوباره با آقای بنانی تماس می‌گرفتند. اما آقای بنانی گفت که نمی‌تواند قول خود را نادیده بگیرد. اگر مشتریان تا آخر ماه که توافق کرده بودند بر نگردند، آنوقت او آزاد خواهد بود که ملکش را به کس دیگری بفروشد.

این مشتری با نومییدی رفت و روزی که ماه به سر آمد بازگشت. کمال او را با خوشرونی پذیرفت و منتظر بود آقای بنانی شروع به امضای سند نماید. آقای بنانی گفت "ولی امروز هنوز نگذشته است. این افراد ممکن است هر لحظه برسند، ما باید تا غروب صبر کنیم". مشتری بار دیگر رفت و غروب برگشت. آنگاه آقای بنانی به کمال گفت "فکر می‌کنم باید به آنها زنگ بزنیم و بپرسیم چه می‌خواهند بکنند، چون ممکن است تاریخ را فراموش کرده باشند". کمال به آنها تلفن زد و پاسخ آنها را گرفت. آنها با عذر خواهی گفتند که نتوانسته بودند پول را فراهم کنند.

بنابراین اسناد امضاء شد، ملک به فروش رفت و پول دریافت شد. وقتی مشتری دفتر را ترک کرد کاملاً دیروقت بود، اما آقای بنانی به کمال گفت "خواهش می‌کنم برو و یک کالسه بگیر که ما را به شهر ببرد، من باید به منزل جناب ورقا بروم که حقوق الله این پول را که دریافت کرده‌ام بدهم." کمال گفت "شما مطمئناً می‌توانید حقوق الله را فردا صبح بپردازید." آقای بنانی با حالتی جدی به او نگاه کرد و گفت "تو می‌توانی به من ضمانت بدهی که امشب من نمیمیرم؟" کمال که خود بهانی با اخلاصی بود با این سخن به لرزه درآمد و گفت "فوراً میرم کالسه بگیرم".